

افغانستان در سال ۱۹۸۲ میلادی از یونسکو سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی وابسته به ملل متحد تقاضا نموده بود تا منار جام در غور، تندیس‌های بودا در بامیان، حوزه باستانی آی خانم در تخار و ساحه بی باستانی شهر هرات را در فهرست آثار فرهنگی جهان - میراث بشریت جای دهد. از آن شمار منار جام در سال ۲۰۰۲ میلادی و دره بی بامیان با جایگاه تندیس‌های ویران شده بی بودا در سال ۲۰۰۳ میلادی به حیث آثار فرهنگی جهانی پذیرفته شدند. یونسکو گفته است زمانی ساحه بی باستانی شهر هرات را به عنوان آثار فرهنگی جهانی می پذیرد که جاده کنار منارهای مصلای هرات، برای رفت و آمد موثرها دیگر مورد استفاده قرار نگیرد و از اعمار ساختمانهای بلند و جدید در قسمت‌هایی از شهر قدیم هرات و مناطق مشرف بر آن جلوگیری شود. یونسکو افزوده است در صورتی که مقامات محلی هرات موفق به ممیزی و واریسی ساخت و ساز بناهای جدید در این شهر گردند در تصمیم خود تجدید نظر خواهد کرد.

قابل یادآور است که بخش اول این نوشته، ترجمه‌ی قسمت‌های کتاب Jan Myrdal است از زبان آلمانی بنام Kreuzweg der Kulturen با اسنادی که به احتمال زیاد برای بار نخست در دسترس فارسی‌زبانان قرار می‌گیرد. این کتاب را که در اصل به زبان سوئدی زیر عنوان kulturers korsväg نگاشته شده است، به بیشتر زبان‌های زنده بی جهان برگردانیده اند.

جیلانی لیب

گنجینه‌های فرهنگی جهان - منارها و مصلای هرات (افغانستان)

“هیچ کسی نمیتواند ادعا بکند که یک اثر هنری، یک ساختمان معین و یا یک شهر، بهترین هم مثلانش در سراسر دنیاست. چنین سخنی خلاف انسانیت و هنر دوستی خواهد بود، آرمان‌گرایی نادرست و مطلقیت بخشیدن به هنر. اما حق داریم بگوییم که یک اثر هنری، یک بنا و یا یک شهر در شمار بهترین‌های تمام دنیاست، زیرا زیبایی متغیر، متفاوت و با گوناگونی اش انسانیت است. منطقه‌ها و شهرهای



کمی برایم از شمار زیباترین‌هایند: ستکهلم، شهری که آدم می‌خواهد همیشه آنجا برگردد از زیباترین‌هاست و شهر خرمایی رنگ گیلی کوردوبا یا قرطبه، لنینگراد (سن پترزبورگ امروزی) واقع در سواحل دریای بالتیک با خیابان‌های شفاف و روشنش از زیباترین شهرهای جهانست در شفق تابستانی آن دیار، نیویارک در خزان با جاده‌های نمناک آبگینه‌گون و پر از دحامش، برگ‌های سرخ‌رنگ بر زمین افتاده بی درختان پارک‌های او، دریای هودسن Hudson مه‌آلودش با لمس مشام شهری بی‌وی و هرات.

زیبایی‌های هرات را هر کسی که پس از عبور دشت‌ها وارد آن می‌شود و چمن‌های سرسبزش را با آثار آبی رنگ سر بفلک کشیده بی دوران تیموری او می‌نگرد، در سینه اش لمس می‌کند. ظهیرالدین محمد بابر فاتح هند در خاطرانش نگاشته است: “تمام جهان متمدن

شهر دیگری همچون هرات نمی شناسد. "آری، کسی که هرات دوران یکصد ساله بی تیموریان را یکبار دیده بود، با همه بی غنای هندوستان، نمیتوانست این شهر را فراموش بنماید .



هرات شهرست رؤیایی، رؤیایی که واقعیت دارد. هرات شهرست باستانی، معروف و مورد اختلاف. زمانی که اسکندر مقدونی، فاتح هخامنشیان، جهت دیدار منطقه های تازه بدست آورده اش ازینجا میگذشت، هرات شهری بود کهن. وی بنیاد یک شهر "الکساندریه" را اینجا هم گذاشت و به دنبال تاریخ جهان روان گشت، اما هرات همچنان باقی ماند و زندگی را در خود پرورد.... هرات بارها زیر تسلط دیگران درآمده، با خاک یکسان گردیده و از سر آباد شده است. جاده های هرات که زمان یادبودش در اوستای زردشت، شهری کهن و دارای سنت ها و رسم و رواج ها بود، مثل همیشه پُر جوش و خروش و زندگیست .



فاتحان هرات، سد ها را تخریب نمودند، چشمه ها را بستند، آبراه ها را ویران ساختند و کاریز ها را مسدود نمودند، اما هیچ کسی نتوانست این دره بی هریرود را به دشت تبدیل کند. هرات با وجود همه بی جفاها، مرکز اداری و اقتصادی یک ولایت زراعتی غنی و مرفه باقی ماند. از دیرینه های دور اینجا مرکز تقاطع راه های بازرگانی بوده است. با تغییر هر فاتحی بر مقام و منزلت هرات افزوده شد و بر خرابه های شهر بار دیگر ویران گشته، "آریانا" دوباره اعمار و آبادتر گردید. هرات دورانی مرز فرهنگی، اقتصادی و علمی یک حوزه بی بزرگ بود.....

بر اهمیت هرات پس از پیروزی اسلام بالای این شهر به عنوان یک دژ مستحکم مذهبی و فرهنگی افزوده گشت. مهاجرت ها و امپراطوری ها بر دفتر کهن تاریخ این منطقه رقم خورده است. هرات اما همچنان شهری باقی ماند که بود: غنی، فرهنگی و مرفه. هراتیان، جهانپیده اند و جهانی می اندیشند. دانشمندان با همه دنیا سر و کار داشته اند و دارای دوستانی بودند از سراسر گیتی.....

هرات شهری بوده است با مدارا و پر قدرت با فرهنگی شکبیا و بردبار. مسیحیت نسطوری Nestorian درین شهر دارای اسقف جداگانه بی خود بود، بدون هیچگونه تعقیب و پیگیری بی. یگانه مسؤلیتش پرداخت مالیه بود و بس.....

در خزان ۱۸۸۵ میلادی به فرمان مؤکد ملکه بی انگلستان بایستی مصلاهی هرات را ویران مینمودند و یک برج و بارو جایگزین آنها میشد. صاحب منصبان انگلیس سرگرد ها (جگرن ها) هولدیش Holdich و پیکوک Peacock مسؤلان انجام این عمل بودند. زمانی که انگلیس تخریب منارهای هرات را به تصویب رسانیده بود، سرگرد (جگرن) یاتیس Yates یکی از مسؤلان اصلی عمل این کار بتاریخ سی جولای همان سال چنین نوشت: "ازین زیبایی ها برای نسل های آینده تنها یک یادبود باقی خواهد ماند." شهروندان هرات به دولت رجوع کردند و از یونسکو کمک خواستند، تا هنر مهندسی عصر تیموریان را برای جهان نگهداری کنند، اما کسی به آنجا نیامد. هولدیش و پیکوک به تاریخ هشتم نوامبر ۱۸۸۵ میلادی گزارش دادند:



“ عملیات موفقانه انجام پذیرفت، مصلا و مدرسه منفجر گردیدند. ” یاتیس، افسر نظامی انگلیس مینگارد: “ زمانی که ما با قشون هرات را ترک می‌کردیم، از کنار مصلا عبور نمودیم. تنها مناره های بلند هنوز پای برجایند. باقیمانده توده زباله ایست که توسط گله یی از چهارپایان بر طرف میگردیدند. ”

آری، هرات آسمانی رنگ تیموریان را ویران نمودند، اما انگلیس هرگز نتوانست هرات را “بریتانوی” بسازد. ۱”

افسران نظامی انگلیسی اطراف شهر هرات تا ششصد قدم همه یی دیوارها را ویران کردند و درختان را از ریشه برکنندند. آنها مسجد و مصلاهای هرات را که بیرون از حصار بود، به این توهم که روس ها توپ های خویش را بر سقف آنها بالا مینمایند و شهر را زیر آتش می گیرند، به زور باروت و تقب با خاک یکسان ساختند. ۲

بدینگونه مصلاهای هرات را که بیانگر فرهنگ و تمدن چندین دوران و نشاندهنده یی صنعت و هنر مهندسی عصرهای گوناگون آن بود،



ویران و این شهر، هرات باستانی را از زیباترین میراث تاریخ پر جلالش محروم کردند.

محمد یوسف در کتاب عین الوقایع، چاپ مشهد ۱۳۳۴ هجری قمری در صفحه یی

۲۳۶ مصلاهای هرات را بدینگونه توصیف نموده است: “ این مصلاهای هرات که به

تصویب امنای انگلیس ویران شد، اول بنای معظم و عالی صفحات مشرق زمین بود که نردبان فکر و خیال به پایه یی آن منتهی میشد و

غرفات مسجد و ایوان مقصوره یی آن را با کاشی های آبی و سبز منقش کرده بودند، بطوری که اکنون هیچ استادی تدبیر فن آن را

ندارد و هیچ معماری تصور نفیسیش را نمی تواند و اصل بنیاد پنج مصلی بود، هر کدام از عهدی بقرار تفصیل یادگار بود .

مصلاهای اول را ملکان غور که به سلاطین کرتیه معروفند بنا نهاده اند، مصلاهای دوم را امیر تیمور کورگان ساخته بود، مصلاهای سوم

یادگار سلطان حسین بایقراي است، دو مصلاهای دیگر را شاهرخ و سلاطین ازبک بنا نهادند و سلاطین اول صفویه به اتمام رسانیده بودند

و به هر یک از آن مصلی ها صحن و ایوان و گنبدی با دو مناره مرتفع تعبیه شده بود، اما یک مصلی که از امیر تیمور کورگان بود، ایوان

و غرفاتش در عهد سلطان حسین صفوی شکست یافته بود که آجر آنرا آورده، چهارسوق و حوض هرات را ساخته بودند ”.

میر عبدالکریم بخاری که مصلی را از نزدیک به چشم خود دیده است در وصف آن چنین می نگارد: “مصلی از هر جهت خوب حفاظت شده، قبه بی آن به بلندی به اندازه بی گنبد عثمانیه (مسجد نور عثمانیه) در قسطنطنیه (استانبول امروز) است و سقف آن از گل و برگ و تشه های طلایی و لاجوردی و کاشی کاری پوشیده شده است.”^۳



بنای مصلی هرات که نه منار داشت در شمالشرق شهر قدیم هرات و متصل به قسمت غربی شهر نو موقعیت دارد. امیر علی شیر نوایی وزیر سلطان حسین بایقرا، یک جامع و شفاخانه بی بزرگ با یک مدرسه و خانقاه نیز بنام اخلاصیه درین ساحه تأسیس نمود. اکنون مزار سلطان حسین میرزا در آنجاست و آرامگاه گوهرشاد بیگم با فرزندانش بایسنقر میرزا و جوگی میرزا در داخل گنبد سبز. امیر علی شیر نوایی نیز در همین محل به خاک سپرده شده است.

و سپس تخریب و ویرانی مصلی و بناهای ساحه بی آنرا توجیه گونه چنین درج دفتر کارروایی پادشاه وقت نمودند:

“اعلیحضرت ضیاءالملته والدین امیر عبدالرحمن خان بنا به پاره بی ملحوظات و مصالح مملکتی و ایجاب وقت از موقعیت و موجودیت آن صرف نظر نمود تا به وضع فعلی در آمد.”^۴

از یاد نمی بریم: این شعر مولانا گوهری را تاریخ هرات بارها تجربه کرده است:

گر کسی پرسد ز تو کز شهرها خوشتر کدام

گر جواب راست خواهی گفتن او را گو: هری

این جهان را همچو دریا دان، خراسان را صدف

در میان این صدف، شهر “هری” چون گوهری^۵



رویگردها:

۱- Seite 30-47 , Berlin 1964, Verlag Volk und Welt, Kreuzweg der Kulturen, Jan Myrdal

۲- افغانستان در پنج اخیر، میر محمد صدیق فرهنگ، ناشر احسان الله مایار، چاپ دوم، ویرجینیا، ۱۳۶۷ خورشیدی، ص ۲۷۲ و ۲۷۳

۳- تاریخ آسیای میانه، تألیف میر عبدالکریم بخاری، ترجمه فرانسوی شیفه، پاریس، ۱۸۷۶ میلادی، ص ۲۵۰

۴- راهنمای هرات، محمد ابراهیم راجی، مطبوعه دولتی هرات، اسد ۱۳۴۷، ص ۱۲

۵- خراسان بزرگ، دکتر احمد رنجبر، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۶۲

رفقا، دوستان عزیز تارنمای وطندار! لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله ها، نوشته ها، مضامین و

مطالب علمی و تحلیلی خود را جهت نشر به ادرس پوست الکترونیکی سایت بفرستید



admin@vatandar.at

مدیر مسوول: دپلوم انجینر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز: انجینر نجیب یوسفی

کلیه حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

بقیه گزیده های مقالات جیلانی لیب

<http://www.vatandar.at/index%20labib1>